

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه شهید چمران اهواز
دانشکده الهیات و معارف اسلامی
گروه علوم قرآن و حدیث

موضوع :

بررسی و نقد احادیث پیامبر (ص) در کتاب تحف العقول (سند
و رجال و منبع شناسی، ترجمه و شرح احادیث)

نگارنده:

احمد صالحی انصاری

استاد راهنما :

دکتر سید یوسف محفوظی موسوی

استاد مشاور :

دکتر علی مطوری

زمستان 91

تقديم به:

ساحت مقدّس و منورّ يگانه منجى عالم بشریت و قطب دایره امکان

حضرت بقية الله الاعظم روحى وارواحناله الفداء و خلف صالح ايشان

حضرت آية الله العظمى امام خامنه اى (مدظله العالى) .

یاد و سپاس

خدای بزرگ را شاکرم که توفیق تحصیل در رشته مقدّس علوم قرآن و حدیث را به من عنایت فرموده و اجازه داده تا قدمی در این مسیر مقدّس و الهی برداشته و برای آخرت خویش از این دو منبع مهم توشه برداری کنم. از خدای متعال عاجزانه می خواهم که توفیق انتقال، نشر و عمل به آموخته هایم را به برکت وجود مقدّس پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) به اینجانب عنایت فرماید .

بر خود لازم می دانم که از همه اساتید بزرگوار از جمله سر کار خانم دکتر شمخی، دکتر بستانی و دکتر شهابی (دامت برکاتهم) که در طی دوران تحصیل از آنان کسب علم نموده ام تشکر و قدردانی نمایم. به ویژه از استاد گرانمایه جناب آقای دکتر سید یوسف محفوظی موسوی (حفظه الله) که با روی گشاده راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند و همچنین استاد بزرگوار جناب آقای دکتر علی مطوری (حفظه الله) که قبول زحمت نموده و مشاوره رساله حاضر را پذیرا شدند، کمال تقدیر و تشکر را نمایم .

و در پایان باید تقدیر و تشکر ویژه ای از والد محترم حضرت حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ عزیزاله صالحی انصاری (حفظه الله) داشته باشم که تحقیقاً اگر زحمات و راهنمایی های دلسوزانه ایشان نبود هرگز به اهداف والای خویش که از جمله ی آنها دفاع از دین و مذهبم باشد نیل پیدا نمی کردم. همچنین از والده محترمه به واسطه تربیت دلسوزانه اش و همسر م که مرا در به پایان رساندن این پژوهش یاری نموده سپاس فراوان داشته و همواره دعاگوی آنها می باشم .

خدایا تو را به عطاء این همه نعمت از جان و دل سپاسگزارم .

فهرست مطالب

2 مقدمه

فصل اول: وصیت ها

8 ما روى عن النبى (ص).....وصيته الى اميرالمؤمنين (ع)

32..... وصية أخرى الى امير المؤمنين (ع)

46..... وصية له أخرى الى امير المؤمنين (ع)

فصل دوم: حکمت، وصیت و کلام پیامبر (ص)

56..... و من حکمه صلى الله عليه وآله

69..... وصيته صلى الله عليه وآله لمعاذ بن جبل

71..... و من كلامه صلى الله عليه وآله

فصل سوم: بیانات حضرت پیرامون علم و عقل و جهل و موعظه ای از ایشان

78..... ذكره صلى الله عليه وآله العلم والعقل والجهل

82..... موعظه

فصل چهارم: خطبه پیامبر (ص) در حجّة الوداع

87..... خطبته صلى الله عليه وآله فى حجّة الوداع

فصل پنجم: کلمات قصار پیامبر (ص)

94..... و روى عنه صلى الله عليه وآله فى قصار هذه المعانى

94..... حدیث 1

95..... حدیث 2

96..... حدیث 3

96..... حدیث 4

98..... حدیث 5

99.....	حدیث 6
100.....	حدیث 7
101.....	حدیث 8
102.....	حدیث 9
103.....	حدیث 10
104.....	حدیث 11
104.....	حدیث 12
105.....	حدیث 13
106.....	حدیث 14
107.....	حدیث 15
108.....	حدیث 16
108.....	حدیث 17
109.....	حدیث 18
110.....	حدیث 19
111.....	حدیث 20
112.....	حدیث 21
113.....	حدیث 22
114.....	حدیث 23
114.....	حدیث 24
116.....	حدیث 25
117.....	حدیث 26
119.....	حدیث 27
120.....	حدیث 28
122.....	حدیث 29

124.....	30 حدیث
125.....	31 حدیث
126.....	32 حدیث
127.....	33 حدیث
128.....	34 حدیث
130.....	35 حدیث
130.....	36 حدیث
132.....	37 حدیث
133.....	38 حدیث
135.....	39 حدیث
136.....	40 حدیث
137.....	41 حدیث
138.....	42 حدیث
139.....	43 حدیث
140.....	44 حدیث
141.....	45 حدیث
143.....	46 حدیث
143.....	47 حدیث
144.....	48 حدیث
144.....	49 حدیث
145.....	50 حدیث
145.....	51 حدیث
146.....	52 حدیث
148.....	53 حدیث

148.....	54 حدیث
149.....	55 حدیث
150.....	56 حدیث
151.....	57 حدیث
152.....	58 حدیث
153.....	59 حدیث
155.....	60 حدیث
156.....	61 حدیث
156.....	62 حدیث
156.....	63 حدیث
157.....	64 حدیث
159.....	65 حدیث
160.....	66 حدیث
161.....	67 حدیث
162.....	68 حدیث
163.....	69 حدیث
163.....	70 حدیث
164.....	71 حدیث
164.....	72 حدیث
165.....	73 حدیث
166.....	74 حدیث
167.....	75 حدیث
168.....	76 حدیث
169.....	77 حدیث

170.....	78 حدیث
171.....	79 حدیث
171.....	80 حدیث
172.....	81 حدیث
173.....	82 حدیث
174.....	83 حدیث
175.....	84 حدیث
175.....	85 حدیث
176.....	86 حدیث
177.....	87 حدیث
177.....	88 حدیث
178.....	89 حدیث
179.....	90 حدیث
181.....	91 حدیث
182.....	92 حدیث
182.....	93 حدیث
184.....	94 حدیث
184.....	95 حدیث
186.....	96 حدیث
186.....	97 حدیث
186.....	98 حدیث
187.....	99 حدیث
189.....	100 حدیث
190.....	101 حدیث

191.....	102	حدیث
192.....	103	حدیث
192.....	104	حدیث
193.....	105	حدیث
194.....	106	حدیث
197.....	107	حدیث
197.....	108	حدیث
197.....	109	حدیث
198.....	110	حدیث
198.....	111	حدیث
199.....	112	حدیث
200.....	113	حدیث
202.....	114	حدیث
202.....	115	حدیث
203.....	116	حدیث
203.....	117	حدیث
203.....	118	حدیث
204.....	119	حدیث
204.....	120	حدیث
205.....	121	حدیث
206.....	122	حدیث
207.....	123	حدیث
208.....	124	حدیث
208.....	125	حدیث

٢٠٩	126	حدیث
209	127	حدیث
210	128	حدیث
211	129	حدیث
213	130	حدیث
214	131	حدیث
٢١٥	132	حدیث
215	133	حدیث
216	134	حدیث
218	135	حدیث
٢١٩	136	حدیث
219	137	حدیث
220	138	حدیث
٢٢٢	139	حدیث
223	140	حدیث
224	141	حدیث
224	142	حدیث
226	143	حدیث
227	144	حدیث
228	145	حدیث
٢٢٩	146	حدیث
229	147	حدیث
230	148	حدیث
٢٣١	149	حدیث

٢٣١	150	حدیث
231	151	حدیث
٢٣٢	152	حدیث
233	153	حدیث
234	154	حدیث
235	155	حدیث
236	156	حدیث
237	157	حدیث
238	158	حدیث
240	159	حدیث
241	160	حدیث
242	161	حدیث
242	162	حدیث
243	163	حدیث
٢٤٤	164	حدیث
245	165	حدیث
245	166	حدیث
247	167	حدیث
٢٤٨	168	حدیث
248	169	حدیث
248	170	حدیث
249	171	حدیث
٢٥٠	172	حدیث
250	173	حدیث

250.....	حدیث 174
252.....	حدیث 175
253.....	حدیث 176
255.....	حدیث 177
256.....	حدیث 178
256.....	حدیث 179
257.....	حدیث 180
258.....	حدیث 181
259.....	حدیث 182
261.....	حدیث 183
262.....	حدیث 184
263.....	حدیث 185
263.....	حدیث 186
264.....	حدیث 187
265.....	حدیث 188
266.....	حدیث 189
267.....	حدیث 190
268.....	حدیث 191
269.....	حدیث 192
271.....	منابع و مأخذ

چکیده

نام خانوادگی: صالحی انصاری	نام: احمد	شماره دانشجویی: 8935803
عنوان پایان نامه:		
بررسی و نقد احادیث پیامبر در کتاب تحف العقول (سند و رجال و منبع شناسی، ترجمه و شرح احادیث)		
استاد راهنما: دکتر سید یوسف محفوظی موسوی		
استاد مشاور: دکتر علی مطوری		
درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: الهیات و معارف اسلامی	گرایش: علوم قرآن و حدیث
دانشگاه: شهید چمران اهواز	دانشکده: الهیات	گروه: معارف
تاریخ فارغ التحصیلی: 91/12/19		تعداد صفحه: 280
کلید واژه ها: تحف العقول، سند، رجال، شرح، حدیث		
<p>یکی از کتاب های معتبر حدیثی کتاب گرانقدر «تحف العقول» می باشد که احادیث آن مورد استفاده علمای بزرگی بوده و هست. از آنجا که روایات این کتاب فاقد سند است بر آن شدیم که با استفاده از منابع معتبر مربوطه سند و رجال روایات نقل شده از پیامبر(ص) را یافته و آنها را مورد بررسی قرار دهیم. نگارنده حقیقتاً تلاش فراوانی در جهت بررسی این احادیث انجام داده و حدوداً دویست منبع مهم حدیثی، تاریخی، لغوی، اخلاقی و رجالی را بررسی کرده تا هم سندی برای آنها بیابد و هم ثقه یا غیرثقه بودن راویان احادیث را مشخص نماید و هم لغات غریبی را که در بعضی از احادیث وجود دارند شرح دهد. لازم به ذکر است که در طی انجام این پژوهش نکات زیر بدست آمده:</p> <p>الف: حدوداً ده حدیث از میان روایات پیامبر(ص) در هیچ یک از منابع فریقین یافت نشد.</p> <p>ب: تعدادی از احادیث در منابع معتبر حدیثی وجود داشت اما فاقد سند بوده و مؤلفان هنگام نقل این نوع احادیث بی سند، به ذکر منابع ناقل حدیث قبلی اکتفا می کردند.</p> <p>پ: در میان کلمات قصار پیامبر(ص) دو حدیث مشابه (81 و 147) یافت شد که اختلاف لفظی اندکی داشتند.</p> <p>ت: حدود بیست و پنج راوی نام آنها در کتب رجالی یافت نشد.</p> <p>امید است که این کار آغازی باشد برای بررسی تمام روایات کتاب تحف العقول. اللهم آمین.</p>		

مقدمه :

تشیع در عصر ابن شعبه حرانی :

از زمان رحلت پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - تا حدود سال 300 هـ. ق. شیعیان وضع ناگوار و موقعیت تأثر آوری داشتند. در دولت بنی امیه و بنی عباس نیز سعی شد که از نفوذ امامان جلوگیری به عمل آید و رابطه آن ها با شیعیان قطع شود؛ از این رو شیعیان در سراسر جهان اسلام به شدت مورد فشار و محدودیت بودند. از اواسط قرن چهارم هجری، شیعیان به میزان قابل توجهی از محدودیت ها رهایی یافتند؛ زیرا از طرفی، خلفای فاطمی که شیعه اسماعیلی بودند در مصر دولت نیرومندی تشکیل داده و از سلطه فراگیر دولت عباسی کاسته بودند. از طرف دیگر، سیف الدوله حمدانی شیعی در شام به قدرت رسیده بود. همچنین غوریان، صفاریان، طاهریان و علویان مازندران پرچم استقلال برداشته بودند و از همه مهم تر، ظهور دولت مقتدر آل بویه بود که از شیعیان به شمار می آمدند. این عوامل و زمینه ها موجب شد که شیعیان به بیان عقاید پرداخته و به تشکیل جمعیت ها و تأسیس حوزه های علمی و نشر معارف اهل بیت - علیهم السلام - مبادرت ورزند¹. و باعث شد علوم شیعی مانند فقه و کلام و حدیث شیعی به شدت رشد کند؛ به گونه ای که آثار این دوره همواره مهمترین منابع حدیثی و کلامی شیعی قلمداد شده اند. در این راستا، شیخ صدوق «من لا یحضره الفقیه» و ثقه الاسلام کلینی «الکافی» را تألیف کرد و شیخ مفید عقل گرایی را در شیعه رواج داد و سید مرتضی اولین کتاب در اصول فقه «الذریعه» را نگاشت.

تولد و تحصیل حرانی :

ابن شعبه اهل شهر «حران» بود. حران شهری است بر سر راه موصل، شام و روم. اهالی آن صابئی بوده اند و بسیاری از ریاضی دانان و پزشکان پیش و پس از اسلام از این شهر برخاسته اند. به ویژه اکثر مترجمان کتاب های حکمی و طبعی در دو دوره «نهضت ترجمه» از اهالی حران بودند. گفته اند حران تعریب «هاران» اسم برادر حضرت ابراهیم است که آن را بنا نهاد. بنا به نقلی، حران

¹ -ر.ک: مفاخر اسلام، علی دوانی، ج3، ص 240 - 239.

اولین شهری است که پس از طوفان نوح ساخته شد¹. ابن شعبه حسن بن علی در چنین محیط و فضای علمی به دنیا آمد. البته ثبت زمان تاریخ تولدش از قلم تاریخ افتاده است، ولی طبق منابع تاریخی، قبل از سال 381 هـ. ق زنده بوده است. او به خاطر علاقه به احادیث اهل بیت - علیهم السلام - به تحصیل در حدیث عصمت گمارد همچنین در علم فقه نیز نزد عالمان زمانش شاگردی نمود و در آن تبحر یافت که عالمان بعد، او را فقیهی فاضل خوانده اند. متأسفانه از مکان و کم و کیف تحصیل او در منابع تاریخی سخنی به میان نیامده است.

شخصیت علمی و اخلاقی حرانی، به تصدیق بسیاری از فرهیختگان، عالمی فاضل و عامل بود و در فقه و حدیث مورد توجه عالمان قرار داشت، به ویژه در حدیث که دو اثر «تحف العقول» و «التمحیص» بیانگر تبحر او در علم حدیث و وثاقتش در نقل حدیث است، به طوری که علامه مجلسی روایات تحف العقول را با این که سلسله سندش ذکر نشده، مقبول می داند.³ و یا شیخ انصاری⁴ کتاب گرانمایه «المکاسب» را با روایتی از «تحف درباب معاملات آغاز می کند که درباره صناعات و تجارات و بیع و وجه حلال و حرام آن ها است.⁵

همچنین با نگاهی به مقدمه «تحف العقول» و روایات مذکور در آن و نیز مناجات و توصیه ها به دست می آید که او در علم اخلاق و حقوق نیز دستی داشته و با طرحی نو، مجموعه روایات اخلاقی، حکمی و حقوقی را ارائه نموده است، به طوری که بیش از هزار سال این کتاب و روایات آن، نقل محافل علمی، منابر و عظ و مجالس اخلاقی بوده است و این خود نشان از رفعت مقام و جلالت جاه علمی و تقوای اوست.

¹. یاقوت الحموی، معجم البلدان، تحقیق فرید عبدالعزیز الجندی، دار الکتب العلمیه، 1410ق، بیروت، ج2، ص 271.

². کحاله، عمر رضا، معجم المؤلفین، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج3 و 4، ص 252.

³. الانصاری، الشیخ مرتضی، المکاسب، (قم: کنگره شیخ انصاری، 1415 هـ. ق) ج1، ص 12 - 5.

⁴ - شیخ مرتضی انصاری در سال 1214 ش در شهر دزفول متولد شد. وی از همان کودکی آثار نبوغ و بزرگی در وی دیده می شد و آنچنان در یادگیری مسائل فقهی تلاش نمود که از طرف بعضی از فقها به خاتم الفقهاء و المجتهدین ملقب شد. حتی عده ای او را تالی تلو معصوم هم نامیدند. دو کتاب معروف ایشان المکاسب و فرائد الاصول می باشد که تا کنون در حوزه ها تدریس می گردند. (رک: شخصیت شیخ انصاری (ره)، تألیف حاج شیخ مرتضی انصاری، ص 60).

⁵. همان.

اساتید حرانی :

حرانی از محضر محدثان و فقیهان بزرگ عصر خود بهره برد و در علوم حدیث و فقه تبحر یافت، به طوری که همه عالمانی که از او یاد کرده اند، وی را فقیه و محدث فاضل شیعه معرفی نموده اند. متأسفانه از تحصیل و استادان وی جز اطلاعات اندکی در دست نیست و فقط در تراجم به ابو علی محمدبن همام، از محدثان و فقیهان بزرگ شیعی اشاره شده که حرانی نزد وی شاگردی کرد و از او اجازه روایت دریافت داشت¹.

شاگردان حرانی :

از تدریس و جلسات درس وی خبر قابل توجهی در دست نیست. به یقین، با آن تبحر و عمق علمی اش در حدیث و فقه - که بسیاری از عالمان بعدی بر آن صحه گذاشته اند - باید مجلس پر رونق و شاگردان ممتازی داشته باشد که تاریخ، شاگردان او، غیر از شیخ مفید را از ما پنهان داشته است.

محمد بن محمد بن نعمان عکبرائی بغدادی (شیخ مفید - متوفای 412 - ق) وی از فقیهان و متکلمان بزرگ شیعه است که در زمان خود شیعیان را از پراکندگی و اوضاع اسف بار رهایی بخشید و به اوج عزت رساند². عالمان شیعه و سنی به فضل و علم او اعتراف کرده اند.³ شیخ مفید در واقع مؤسس مکتب عقل گرایی در شیعه بود و آن را بسط و گسترش داد. او از حرانی روایت نقل کرده و حرانی از مشایخ او به شمار می رود.⁴

جایگاه حرانی نزد علما :

بسیاری از دانشوران از حرانی به بزرگی، فضل و علم یاد کرده اند و روایت بدون سند او را در «تحف العقول» پذیرفته اند.

¹ - مفاخر اسلام، ج 3، ص 24.

² - همان ج 3 ص 240.

³ - رک: همان، ص 253 - 242.

⁴ - رک: سایت www.haWZAH.Net

شیخ مفید؛ شاگرد حرانی، ضمن تمجید از استاد، درباره کتاب تحف العقول می نویسد: «تحف العقول کتاب لم یسمح الدهر بمثله»¹ یعنی: «تحف العقول کتابی است که در دنیا همانند آن نیامده است.»

شیخ ابراهیم قطیفی - از عالمان قرن دهم هجری - در کتاب «الوافیه» ضمن نقل روایتی از «التمحیص»، می نویسد:²

«الحديث الاول ما رواه العالم الفاضل العالم الفقيه ابو محمد الحسن بن علي بن شعبه الحراني ...»
یعنی: او حدیثی است که عالم فاضل و عالم فقیه ابومحمد الحسن بن علی بن شیخ حر عاملی در «الامل الآمل» بعد از ستودن مؤلف تحف العقول به فاضل محدث، درباره کتابش میگوید:

حسن كثير الفوائد مشهور.³ یعنی: «این کتاب کتابی است نفیس و پرفایده و مشهور»
علامه مجلسی هم درباره آن می نویسد:

«... نظم این کتاب دلالت بر رفعت شأن مؤلف دارد و بیشتر در مواعظ و اصول معلومه ای است که محتاج سند نیست.»⁴

میرزا عبدالله افندی اصفهانی در «ریاض العلماء» درباره حرانی می نویسد:
«عالم، فقیه، محدث»

میرزا محمد باقر خوانساری نیز در «روضات الجنات» می نویسد:

«حسن بن علی بن حسین شعبه حرانی (یا حلبی) فاضلی است فقیه، متبحر، هوشیار، بلند پایه و آبرومند و کتابش مورد اعتماد اصحاب است.»⁵

شیوه نگارش تحف العقول

برای شناخت این کتاب و استفاده مطلوب از آن، ویژگی هایش در ذیل بیان می شود به امید این که برای طالبان علم و معرفت مفید باشد:

¹ - صدر، سید حسن، تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، دار الرائد العربی، 1401ق، بیروت، ص 414.

² - رک: هدایه الطالب الی أسرار المكاسب، الشهدی التبریزی، میرزافتاح، مؤسسه دار الکتاب، چاپ دوم، ص 1375 ق.

³ - الامل الآمل، تحقیق سید احمد حسینی (قم، دار الکتاب الاسلامی، 1362)، ج 2، ص 74.

⁴ - مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفا، بیروت، لبنان، ج 1، ص 29.

⁵ - روضات الجنات (قم: اسماعیلیان، بیتا) ج 2، ص 290.

1. همان طور که مؤلف کتاب گفته است ، سلسله سند روایات به دلیل اختصار، حذف شده است. با این وصف، چون بیش تر این روایات آداب و حکم است، خود گواه بر درستی آنهاست.
 2. تحف العقول مشتمل بر روایات مربوط به آداب، حکم، پند و اندرزهای منقول از پیامبر و امامان - غیر از امام دوازدهم - است.
 4. روایات آن بر اساس ترتیب مقامات حجت های الهی تنظیم شده است، یعنی از پیامبر شروع شده و با امام حسن عسگری - علیهم السلام - پایان یافته است.
 5. در پایان، مناجات قدسی از حضرت موسی و حضرت عیسی - علیهم السلام - و مواعظی از حضرت مسیح در «انجیل» ذکر شده است که می تواند باعث توجه مسیحیان و یهودیان به این کتاب شود.
 6. حسن ختام کتاب، سفارشنامه مفضل بن عمر (از اصحاب امام صادق - علیه السلام -) به شیعیان است.
- به طور اختصار ((تحف العقول)) یکی از گرانبهاترین آثار شیعه است که به تنهایی برای ساختن جامعه نمونه اسلامی کافی به نظر میرسد و در مجموع هرچند که احادیث ضعیفی در این کتاب به چشم میخورد اما فقهای بزرگی به احادیث این کتاب اعتماد داشتند و آنها را در آثار و مجموعه های بزرگ روائی و فقهی خود مورد استناد قرار می دادند .
- امید است که خدای متعال ما را در شناخت معارف دین یاری فرماید .

فصل اول:

وصیت ها